



گورنمنٹ
ضلع ابراہ آباد
۴ دی ۱۳۵۶

1912 1001
1014

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE8516

بسم الله الرحمن الرحيم

نزار محمد خداوندگار کین فکین
 رطفت او شده هر قطره در جگر خن
 نیرمشتش را ز دم با گل خس
 نشد بصفه اسکان ثلثی سپه
 ز پنج خس چو خماسی مجردی افزود



حبیب و کشته نشاء کشور و لهستان
میرمای رسالت فرستادیم
بغیر کردن اعدا اش نصرت تاب
رسید صیت جلالتش بسجده و در جهان
بحسب مرضی ایزد درود بروی باد

CHECKED 1996-97

در فن ماضی ۱۲ در فن مستقبل ۱۲ در فن حاضری ۱۲ در فن ماضی ۱۲ در فن مستقبل ۱۲ در فن حاضری ۱۲

نخست بنده پادوی علی	شنو سپس ز گنهگار عصیر نامه سپاه
ز بهر آنکه کند یاد مبتدی بشتاب	که نظم میکنم اینک خصائص الوجب
که سز عیب شود و امن نگاهشان	امید بست ز مینندگان ایشان

آغاز مقصود

مبتدیش ز ثلثی مجرب دست انبساط	کنم شروع مقصود از عنایت
که عین ماضی و غایب و یافیه کشته	اصول هست سه باب نخست فی شیه
مناسب آنکه رقم سازم اندک ز بهر	خواص حلقه آنها برون ز حصه و شمار

ضرب

خفاه بهر شستن و گشت خلعت	ضرب بدانکه بود و سلب قطع ماضی
یکی بود آب و دیگری جو سقا	بود یعنی اعطاء و قصه شری و انا
مثال آن جود المهرای هریش	بی تاوی فاعل بود ز ماضی خویش
برای معنی تسلط نیز او را خوان	ز بهر کثرت ماضی است اتحاد و ان
چو طایف از پی تشیلالت آمدن	یکی بود و دست الارض دیگری چرخ
عظمت بی الباس ای نکو فرجام	تبریز بود از بهر معنی اطعام

نصر

تو بخ و سلب طلب از خواص آن	با اتحاد و بصیرت آمد دست نصر
قشریه ز بهارم جدایم و ان	یکی چو حاصل دوم باب شد نصفین

در فن ماضی ۱۲ در فن مستقبل ۱۲ در فن حاضری ۱۲ در فن ماضی ۱۲ در فن مستقبل ۱۲ در فن حاضری ۱۲

در فن ماضی ۱۲ در فن مستقبل ۱۲ در فن حاضری ۱۲ در فن ماضی ۱۲ در فن مستقبل ۱۲ در فن حاضری ۱۲

[illegible]

برای بابیست شش شرط گرد انداخته
دفع در رکن یکم از داخلین
شمرده اند و قسم شد و ذابی ایابی
برای معنی تدبیر و سلب اخذ گیر
بی بلوغ و هم لباس دفع را در باب
سخت است و سخت الفقیه هم سخت
برای کثرت ماخذ نهملش سنگ
برای معنی تبصیر و ضرب ماخذ
مثلاً ماخذ الاثر شد در آن شمرده
یقین شما که آید برای صبر و درت

لزوم بھر گرم لازم ست ای هم	چنانکه بودن آن از صفات حلقی هم
----------------------------	--------------------------------

ایضا بنام و این سه
 کلاه اراکین
 زمین می گیاه دران
 سبزه نشین
 نعلت نعل می پیکر
 یکبار بودم ای دریا
 کردم
 باری کرد دراز غنچه
 آرزو
 زرد سحر و راه
 غل اراکین
 راهی عطیه دارم
 راهی عطیه دارم
 راهی عطیه دارم

۱۲
 ۱۱
 ۱۰
 ۹
 ۸
 ۷
 ۶
 ۵
 ۴
 ۳
 ۲
 ۱

بود حقیقه آن فعل خلتی لسان یکی بود حسن المراد و دیگری فحش پی تعجب و بکسر بوج می آید مثال آن طبع المراد است و ب زیر کثرت ماخذ مثال آن صفت پی تا لم ماخذ بیای ای همدرد	و یا زشت نمودن شود بکم آں تاملی بکند هر که اصراف زشت بکسر دو قسم تحول در دو بنا سوم بود جنب لریج و افلاک در آنکه چون محض آید برای صیرورت مثال آن رحمت نایه توان رود
---	--

تایید می شود

در و دیا ب حبیب ده سبب کمتر بدانکه هر چه از ان چند لفظ معده نعمت و برکت و عزت آمد و بطور حق و کون ولی و درم ان نعمت و حمیت برین قیاس پس ان و بر طبع و در فرخ چون شکاری مجرم گردید	خواص نیز ندارد جو با بهای گر بعض کسر و ضم عین نیز موجود است و غف جیدین است و درین بری و ثن و قه صحت زینس آن که در و بی نیست و اگر اضافه توان کرد پس بی و کم بدون هفت و بی کم شروع می شود
--	---

افعال

برای تعدیه افعال از پی تصحیر ز مجرر تعدیه انصاف چه جدا باشد که می شود منفی بعضی او را هم	مثال بر دو ز آخر جمله که تصحیر از پی تصحیر بی ریاضه مثال واضح آنست احمد القاسم
--	--

در و دیا ب حبیب ده سبب کمتر
 بدانکه هر چه از ان چند لفظ معده
 نعمت و برکت و عزت آمد و بطور حق
 و کون ولی و درم ان نعمت و حمیت
 برین قیاس پس ان و بر طبع و در
 فرخ چون شکاری مجرم گردید
 خواص نیز ندارد جو با بهای گر
 بعض کسر و ضم عین نیز موجود است
 و غف جیدین است و درین بری و ثن
 و قه صحت زینس آن که در و بی نیست
 و اگر اضافه توان کرد پس بی و کم
 بدون هفت و بی کم شروع می شود
 برای تعدیه افعال از پی تصحیر
 ز مجرر تعدیه انصاف چه جدا باشد
 که می شود منفی بعضی او را هم
 مثال بر دو ز آخر جمله که تصحیر
 از پی تصحیر بی ریاضه
 مثال واضح آنست احمد القاسم

در و دیا ب حبیب ده سبب کمتر
 بدانکه هر چه از ان چند لفظ معده
 نعمت و برکت و عزت آمد و بطور حق
 و کون ولی و درم ان نعمت و حمیت
 برین قیاس پس ان و بر طبع و در
 فرخ چون شکاری مجرم گردید
 خواص نیز ندارد جو با بهای گر
 بعض کسر و ضم عین نیز موجود است
 و غف جیدین است و درین بری و ثن
 و قه صحت زینس آن که در و بی نیست
 و اگر اضافه توان کرد پس بی و کم
 بدون هفت و بی کم شروع می شود
 برای تعدیه افعال از پی تصحیر
 ز مجرر تعدیه انصاف چه جدا باشد
 که می شود منفی بعضی او را هم
 مثال بر دو ز آخر جمله که تصحیر
 از پی تصحیر بی ریاضه
 مثال واضح آنست احمد القاسم

۸
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

موافق است بتفصیل مباحث تفصیل	موافق آمده هم با مجرور و فعال
دوم هجده مانند هجده العزیزان	یکی ترقی چون ریح ای می شان
تخونج است چهارم پی مراد طلب	سوم مکتوب آمد معنی کذب
چنانکه هست تخم برای حرف و دن	توان نمود از و استادی حرف و دن

مفاد

مثال قائل سلمان و خالد پندیر	مفاعلت نه برای مشارکت گیر
و یک هر دو معنی است فاعل و مفعول	بلفظ فاعل و مفعول گرچه مفعول
مثال هر دو نویسم من می خنجه خیال	موافقت بحسب نماید و افعال
و گر جواب عدد گوی موضع انبند	یکی چو سافر در معنی سفر است
چنانکه ضاعف با ضعف هم معنی	موافق است بتفصیل نیز ای انا
مثال بر تو ز قاشه میشو آسان	هم آمدست پی ابتدا یقین میدان
چو شش تا که بجای نشاند آمد	پی وفاق تفاعل چه بر ملا آمد

تفاعل

صد و فعل و تعلق مجرور و منضم	تفاعل آمده بهر تشارکی بهم
نشاند تا که دیگر تراها بکل شود	بی صد و حفظ بوده است کم موجود
تا رخن است مثلش نزد ایل نظر	بود معنی تخمیل ای ستوده سیر
تفاحش بناید مطاوعت فی الحال	مفاعلت که بود بهر معنی فعال

کلام از کلام سلمان را ۱۲
 و خالد را ۱۳
 و خالد را ۱۴
 و خالد را ۱۵
 و خالد را ۱۶
 و خالد را ۱۷
 و خالد را ۱۸
 و خالد را ۱۹
 و خالد را ۲۰
 و خالد را ۲۱
 و خالد را ۲۲
 و خالد را ۲۳
 و خالد را ۲۴
 و خالد را ۲۵
 و خالد را ۲۶
 و خالد را ۲۷
 و خالد را ۲۸
 و خالد را ۲۹
 و خالد را ۳۰
 و خالد را ۳۱
 و خالد را ۳۲
 و خالد را ۳۳
 و خالد را ۳۴
 و خالد را ۳۵
 و خالد را ۳۶
 و خالد را ۳۷
 و خالد را ۳۸
 و خالد را ۳۹
 و خالد را ۴۰
 و خالد را ۴۱
 و خالد را ۴۲
 و خالد را ۴۳
 و خالد را ۴۴
 و خالد را ۴۵
 و خالد را ۴۶
 و خالد را ۴۷
 و خالد را ۴۸
 و خالد را ۴۹
 و خالد را ۵۰
 و خالد را ۵۱
 و خالد را ۵۲
 و خالد را ۵۳
 و خالد را ۵۴
 و خالد را ۵۵
 و خالد را ۵۶
 و خالد را ۵۷
 و خالد را ۵۸
 و خالد را ۵۹
 و خالد را ۶۰
 و خالد را ۶۱
 و خالد را ۶۲
 و خالد را ۶۳
 و خالد را ۶۴
 و خالد را ۶۵
 و خالد را ۶۶
 و خالد را ۶۷
 و خالد را ۶۸
 و خالد را ۶۹
 و خالد را ۷۰
 و خالد را ۷۱
 و خالد را ۷۲
 و خالد را ۷۳
 و خالد را ۷۴
 و خالد را ۷۵
 و خالد را ۷۶
 و خالد را ۷۷
 و خالد را ۷۸
 و خالد را ۷۹
 و خالد را ۸۰
 و خالد را ۸۱
 و خالد را ۸۲
 و خالد را ۸۳
 و خالد را ۸۴
 و خالد را ۸۵
 و خالد را ۸۶
 و خالد را ۸۷
 و خالد را ۸۸
 و خالد را ۸۹
 و خالد را ۹۰
 و خالد را ۹۱
 و خالد را ۹۲
 و خالد را ۹۳
 و خالد را ۹۴
 و خالد را ۹۵
 و خالد را ۹۶
 و خالد را ۹۷
 و خالد را ۹۸
 و خالد را ۹۹
 و خالد را ۱۰۰

کلام از کلام سلمان را ۱۲
 و خالد را ۱۳
 و خالد را ۱۴
 و خالد را ۱۵
 و خالد را ۱۶
 و خالد را ۱۷
 و خالد را ۱۸
 و خالد را ۱۹
 و خالد را ۲۰
 و خالد را ۲۱
 و خالد را ۲۲
 و خالد را ۲۳
 و خالد را ۲۴
 و خالد را ۲۵
 و خالد را ۲۶
 و خالد را ۲۷
 و خالد را ۲۸
 و خالد را ۲۹
 و خالد را ۳۰
 و خالد را ۳۱
 و خالد را ۳۲
 و خالد را ۳۳
 و خالد را ۳۴
 و خالد را ۳۵
 و خالد را ۳۶
 و خالد را ۳۷
 و خالد را ۳۸
 و خالد را ۳۹
 و خالد را ۴۰
 و خالد را ۴۱
 و خالد را ۴۲
 و خالد را ۴۳
 و خالد را ۴۴
 و خالد را ۴۵
 و خالد را ۴۶
 و خالد را ۴۷
 و خالد را ۴۸
 و خالد را ۴۹
 و خالد را ۵۰
 و خالد را ۵۱
 و خالد را ۵۲
 و خالد را ۵۳
 و خالد را ۵۴
 و خالد را ۵۵
 و خالد را ۵۶
 و خالد را ۵۷
 و خالد را ۵۸
 و خالد را ۵۹
 و خالد را ۶۰
 و خالد را ۶۱
 و خالد را ۶۲
 و خالد را ۶۳
 و خالد را ۶۴
 و خالد را ۶۵
 و خالد را ۶۶
 و خالد را ۶۷
 و خالد را ۶۸
 و خالد را ۶۹
 و خالد را ۷۰
 و خالد را ۷۱
 و خالد را ۷۲
 و خالد را ۷۳
 و خالد را ۷۴
 و خالد را ۷۵
 و خالد را ۷۶
 و خالد را ۷۷
 و خالد را ۷۸
 و خالد را ۷۹
 و خالد را ۸۰
 و خالد را ۸۱
 و خالد را ۸۲
 و خالد را ۸۳
 و خالد را ۸۴
 و خالد را ۸۵
 و خالد را ۸۶
 و خالد را ۸۷
 و خالد را ۸۸
 و خالد را ۸۹
 و خالد را ۹۰
 و خالد را ۹۱
 و خالد را ۹۲
 و خالد را ۹۳
 و خالد را ۹۴
 و خالد را ۹۵
 و خالد را ۹۶
 و خالد را ۹۷
 و خالد را ۹۸
 و خالد را ۹۹
 و خالد را ۱۰۰

[illegible]

